

باشاعران آلمان



هرمان هسه
(مترجم: علی عبداللهی)

بادر بوتنهزاروآوی پرنده
آن‌بالادر بالاترین آبی لطیف
کشتی ابری آرام‌ومغرور می‌راند.
من رؤیای زنی‌زین مومی‌بینم،
من رؤیای جوانی‌ام‌امی‌بینم،
آیابلند آسمان آبی‌وبی‌کران
گهواره‌اشتیاق من است؟
آن‌جاکه آرام می‌گرفتم
و گرم خوشی
بازمزه‌ای آرام
چون کودکی
که در آغوش مادرش



گونتر گراس
(مترجم: علی عبداللهی)

حال‌دنبال چیزی هستم
بی‌آن‌که‌هوس‌یافتنش‌را داشته‌باشم
چیزی‌که‌بتوانم‌بیان‌پیرشوم
و بفرسایم
چیزی‌باشان‌کیفیت‌کالا
بی‌طعم‌افزودنی‌ها
اگر اسمش‌را درست‌ودرمان می‌دانستم
حتما یک‌آگهی می‌دادم
دنبال چیزی هستم، برای‌خودم
فقط برای‌خودم‌در روز‌های‌آرانی
حتی اگر نا‌کار شوم
فقط برای‌خودم...



هرتامولر
ترجمه: غلامحسین میرزاصالح

شعراول:
در کشوری‌که زندگی،
تلاشی است برای‌بقا،
زیبایی‌وطن‌در‌آواراست

شعردوم:
آدم‌هاتمام نمی‌شوند
آدم‌هانیمه‌شب
باهم‌آن‌چه
در پس‌ذهن‌تو برتاب‌باقی‌گذاشته‌اند
به‌توهجوم می‌آورند!

شعرسوم:
هیچ‌کس از من‌نپرسید
که‌در کدام‌خانه، در کجا، پشت‌کدام‌میز،
در کدام‌تخت‌خواب‌ودر کدام‌مملکت
دوست‌دارم‌راه‌بروم، بخورم، بخواهم
یاچه‌کسی‌را از ترس‌دوست‌داشته‌باشم



مارگوت بیکیل
(مترجم: احمد شاملو)

سکوت‌سرشار از ناگفته‌هاست!
دل‌تنگی‌های آدمی‌را باد‌ترانه می‌خواند
رویاهايش را آسمان پرستار نواذیده می‌گيرد
وهر دانه برفی
به‌اشکی‌نریخته می‌ماند
سکوت‌سرشار از سخنان ناگفته‌است
از حرکات‌ناکرده، اعتراف‌به‌عشق‌های‌نهان
وشگفتی‌های‌برزبان‌نیامده
در این سکوت حقیقت‌مانه‌پنهان‌است
حقیقت‌توومن
و.....



هاینریش‌بل

اگر گل‌های‌زیبا
از خم‌هایی‌که‌بردم‌نشسته‌باخبر بودند
همراه من می‌گریستند
تادردم‌را درمان‌کنند.
اگر بلبل‌هایی‌دانستند که‌در دلم‌غمی‌دارم
زیباترین‌آوازهایشان‌را می‌خواندند،
تازنجم‌را
تسکین‌بخشند.
اگر ستاره‌های کوچکی می‌دانستند
چه اندازه‌افسردام،
از آسمان‌پایین می‌آمدند
تا که می‌دیدارم‌کنند.
ولی‌این‌ها
هیچ‌کدام از هیچ چیزی خبر ندارند.
تنه‌ایک‌نفر است
که از از‌های‌نهفته‌در قلم‌آگاهی‌دارد
اودرست‌همان‌کسی‌است
که این‌دل‌را پاره‌پاره کرده.

ردپای ترک فعل در سرقت جهانی آثار فرهنگی ایران!

به بهانه رویداد جدید ثبت فرهنگ پهلوانی به نام جمهوری آذربایجان، از دیگر میراث‌های معنوی نوشته ایم که در پی غفلت مسئولان

از ایران مصادره و به نام کشور های دیگر در فهرست جهانی یونسکو ثبت شده است



الیه آرانیان

culture@khorasannews.com

پهلوانی؛ بازی‌های سنتی زورخانه‌ای و ورزش باستانی کشتی» به نام کشور آذربایجان در اجلاس اخیر یونسکو، اعتراض استادان و کارشناسان میراث فرهنگی را در پی داشته‌است. ثبت جهانی فرهنگ پهلوانی و ورزش‌های زورخانه‌ای به نام آذربایجان در حالی است که در سال ۲۰۱۰، پرونده «ورزش‌های باستانی و زورخانه‌ای» به نام ایران در فهرست یونسکو ثبت شده بود! سؤال این جاست که چرا وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و نمایندگان آن در برابر اقدام جمهوری آذربایجان موضع نگرفته‌اند؟ چرا زمانی که این پرونده در وب‌سایت یونسکو قرار گرفته بود، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی با توجه به ریشه ایرانی ورزش‌های باستانی و زورخانه‌ای و فرهنگ پهلوانی و همچنین ثبت پرونده آن در یونسکو، معترض نشده و موضوع آن را مسکوت گذاشته‌است؟ البته این پایان ماجرا نیست و علاوه بر این پرونده، آثار دیگری هم بدون مشارکت ایران در هفدهمین اجلاس کمیته بین‌المللی یونسکو به ثبت رسید که از این قرار است: «فرهنگ جای، نماد هویت، مهمان‌نوازی و تعامل اجتماعی» به نام ترکیه و جمهوری آذربایجان، «روایت ملانصرالدین» به نام آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکیه، ترکمنستان و ازبکستان و پرونده «نخل خرما، دانش، مهارت، سنت و شیوه تهیه آن» به نام امارات متحده عربی، بحرین، مصر، عراق، اردن، کویت، موریتانی، مراکش، عمان، فلسطین، قطر، عربستان سعودی، سودان، تونس و یمن! این سه پرونده هم ثبت جهانی شده‌اند بدون این که به ریشه ایرانی آن‌ها اشاره‌ای شود و وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به ثبت آن‌ها واکنش خاصی نشان دهد. در حالی که نماینده‌های

ایرانی حاضر در جلسه می‌توانستند حداقل در برابر ثبت این پرونده‌ها بدون حضور ایران اعتراض کنند. میراث فرهنگی و هنر آذربایجان در سال ۲۰۲۱ یونسکو، پرونده خوش‌نویسی ایران با نام «برنامه ملی پاسداری از هنر سنتی خوش‌نویسی در ایران» به ثبت رسید. این در حالی بود که ترکیه در سال ۲۰۲۰ پیش‌دستی و هنر خوش‌نویسی را با عنوان «خوش‌نویسی سنتی در هنر اسلامی در ترکیه» به نام خود ثبت کرده بود. رویه ارائه پیشنهاد برای ثبت در فهرست میراث ناملموس یونسکو از این قرار است که هر کشور یک سال در میان می‌تواند برای ارسال پرونده اقدام کند و از آن‌جا که ایران در سال ۲۰۱۹ دو‌تار ایرانی را به ثبت جهانی رسانده بود، در سال ۲۰۲۰ می‌توانست پیشنهاد تازه‌ای بدهد و ناگزیر بود تنها در زمینه پرونده‌های چند ملیتی همکاری کند. در نتیجه ترکیه فرصت طلبی کرد و هنر خوش‌نویسی را به نام خود زد و تنها بر نامه ملی پاسداری از هنر سنتی خوش‌نویسی به نام ایران ثبت شد و نه هنر آن! از طرفی، مصطفی پورعلی، مدیرکل ثبت و حریم آثار و حفظ و احیای میراث معنوی و طبیعی در آذر، به ایسنا گفته بود: «ما هم می‌توانستیم مثل ترکیه، خوش‌نویسی را در فهرست معرف میراث ناملموس ثبت کنیم. خیلی هم راحت بود، اما می‌خواستیم گام بلندتری برداریم و برنامه پاسداری، در عین معرفی خوش‌نویسی را ارائه کردیم. از طرف دیگر، حمیدرضا قلیچ‌خانی، استاد شناخته‌شده خوش‌نویسی در واکنش به این اتفاق در ۳۰ آذر ۱۴۰۰ به خبرآنلاین گفت: «آن‌چه ایران با عنوان «برنامه ملی پاسداری از هنر سنتی خوش‌نویسی در ایران»

ثبت‌تار به نام آذربایجان
سال ۲۰۱۳ بود که خبر ثبت جهانی ساز تار به عنوان میراث معنوی جمهوری آذربایجان، با واکنش اهالی فرهنگ و هنر ایران روبه‌رو شد، اما دیگر کار از کار گذشته بود و این میراث معنوی ایرانی به نام کشوری دیگر مصادره شده بود. داریوش پیرنیکان، نوازنده و مسئول وقت پیگیری ثبت پرونده‌های ساز در یونسکو در اردیبهشت ۹۶ به ایسنا گفته بود: «پس از ثبت ساز تار به نام کشور آذربایجان من بسیار اعتراض کردم؛ اما اواخر دولت آقای احمدی‌نژاد بود و میراث فرهنگی و نهادهای دیگر در این قضیه با پیش‌نگذاشتند و شکایتی را طرح نکردند. حتی همکاران ما هم در این زمینه هیچ کاری نکردند و عرصه را در اعتراض به ثبت تار توسط کشور آذربایجان در کمیسیون میراث معنوی یونسکو خالی گذاشتند و این برای من بسیار ناراحت‌کننده بود. اکنون به دنبال این هستیم که تار خودمان با همان تار ایرانی را در یونسکو به ثبت برسانیم و مشغول جمع‌آوری اسناد مرتبط با این موضوع هستیم تا به‌طور جدی این موضوع را پیگیری کنیم. تقاضای ما این است که اگر تار ایرانی به ثبت رسید، محوریت با نام ایران باشد و آذربایجان در این ماجرا بعد از نام ایران قرار بگیرد.» اتفاقی که هنوز نیفتاده‌است. جالب این‌که در همان ایام وزیر وقت فرهنگ و گردشگری جمهوری آذربایجان درباره ثبت ساز تار به نام این کشور چنین اظهار کرده بود: «تاری را که ما در یونسکو ثبت کردیم، استادی به نام صادق‌جان ساخته‌او ۵ سیم به ۱۱ سیم تغییر یافته‌است. این ساز خاص آذربایجان است و با ساز کشورهای دیگر متفاوت است.»

حبیب‌زبان و ادب فارسی

به مناسبت درگذشت اسد... حبیب، شاعر، نویسنده و بیدل پژوه افغانستانی که به عنوان یکی از پرکارترین پژوهشگران معاصر این کشور مشهور است، با استاد محمد کاظم کاظمی درباره زندگی و ویژگی‌های او گفت‌وگو کرده‌ایم

نماینده زبان و ادبیات فارسی در غرب

وی‌با اشاره به فعالیت‌های دانشگاهی اسد... حبیب می‌گوید: حبیب مدتی رئیس دانشگاه کابل بود ولی به دلیل این که با حکومت نجیب... سازگاری نداشت، مجبور به ترک افغانستان و مهاجرت همیشگی‌اش به آلمان شد. وی در خارج از افغانستان به‌نوعی یکی از نمایندگان فعال ادبیات فارسی در کشورهای غربی به‌شمار می‌آمد، در انجمن‌ها و محافل، برای ترویج زبان و ادبیات فارسی نقش به‌سزایی داشت و با این که به‌کشوری غریب، مهاجرت کرد، تألیفات عمر به فعالیت‌های ادبی‌اش ادامه داد. در میان چهره‌های ادبی افغانستان به‌ندرت پیش می‌آید که فردی بعد از مهاجرت، همچنان در زمینه زبان و ادبیات فارسی در این حده‌فعال مانده باشد.

توجه به لهجه بلخ و بیدل

این شاعر افغانستانی تصریح می‌کند: در روزگار ماضی مجازی برای فعالیت‌های علمی و ادبی بدون مرز یک فرصت به‌شمار می‌آید و ادبیات حبیب با آگاهی از این فرصت در این فضا حضور مؤثری داشت. او توانست خودش را با تکنیک، نظام‌رسانه‌ای و ارتباطات نوین سازگار کند و با استفاده از این فرصت خدمات قابل‌توجهی به زبان فارسی ارائه داد. کاظمی می‌گوید: استاد اسد... حبیب، کتابی در باره لهجه بلخ و تاجیک را بر دیافکت‌های بهتر از شعر بیدل نوشته‌است. او به دلیل علاقه زیادی که به بیدل داشت، تمرکزش را روی تولید آثار ادبی، با

آکادمی علوم افغانستان بود. اسد... حبیب بعد از شروع جنگ‌های داخلی در اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰، راه‌مهاجرت را در پیش گرفت و تا پایان عمر در آلمان زندگی کرد. جایگاه ادبی این اندیشمند حوزه زبان و ادبیات فارسی تا حدی بالاست که این روزها در کشورهای مختلف ایران و جهان مراسم بزرگداشتی به مناسبت درگذشت او برپاست. برای شناخت بیشتر شخصیت ادبی این بیدل پژوه بر جسته با محمد کاظم کاظمی، شاعر شناخته‌شده افغانستان گفت‌وگو کرده‌ایم.

شخصیت ادبی چندبعدی

محمد کاظم کاظمی درباره اسد... حبیب می‌گوید: اگر چه به‌طور خاص می‌توان او را بیدل پژوه نامید، اما اسد... در جامعه ادبی افغانستان دارای شخصیتی چندبعدی است. او علاوه بر این که شاعر، داستان‌نویس و استاد دانشگاه بود، در پژوهشگری ادبیات نیز جایگاه ویژه‌ای داشت. او در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ مجموعه شعر و داستان‌های بلندی منتشر کرده‌است که در آن دوران در میان دیگر آثار در افغانستان خوش‌درخشید. حبیب در افغانستان در دسته جریان‌ات روشنفکری نویسندگان قرار می‌گیرد. گذراندن تحصیلاتش در شوروی تا مرحله دکتری ادبیات و سخت‌گیری‌هایی که در این دانشگاه‌ها وجود داشت، از او پژوهشگری صاحب سبک و فعال ساخته بود.



محمد بهبهودی نیا
culture@khorasannews.com

«اسد... حبیب، نویسنده، شاعر، استاد برجسته ادبیات فارسی دانشگاه کابل و بیدل‌شناس شهر افغانستانی، در ۸۱ سالگی در شهر هامبورگ آلمان درگذشت. او که یکی از استوانه‌های گران‌سنگ زبان و ادب فارسی بود، از میان ما رخت برکشید. در زمانه یورش به کبان فرهنگ و ادب فارسی، نامش، زنده و راهش، الگوی ماست.» این خبری است که جمعه ۴ آذر امسال در صفحه رسمی خانه ادبیات افغانستان منتشر شد. شاید پیش از درگذشت اسد... حبیب، آلمان کمی‌از ما باشخصیت ادبی این بیدل‌شناس برجسته، آشنایی داشتیم، اما باید به این نکته اشاره کرد که اسد... حبیب پیش از یک پژوهشگر ادبی به زبان و ادبیات فارسی خدمت کرده‌است. او برای معرفی زبان و ادبیات فارسی به جهان، همواره در تلاش و تکاپو بوده‌است. به‌طوری‌که بسیاری از استادان ادبیات، لقب پرکارترین نویسنده و محقق ادبی افغانستان را به او داده بودند. تعداد مقالات، داستان‌ها، کتاب‌های شعر، نمایش‌نامه‌ها و پژوهش‌های اسد... حبیب به بیش از ۴۰ اثر می‌رسد. استاد حبیب متولد ۱۳۲۰، در شهر کابل بود. او دوره مکتب رادرو لایت فارباب افغانستان سپری کرد، دوره لیسانس را در دانشکده ادبیات دانشگاه کابل و دوره دکترادر انستیتوزبان‌های شرقی دانشگاه مسکو خواند و پس از پایان تحصیل به کابل برگشت. سپس استاد دانشکده ادبیات دانشگاه کابل شد و سال‌ها در این سمت فعالیت کرد. او همچنین مدتی رئیس دانشگاه کابل و عضو

فرهنگی هنری

کشف پرتره مومیایی‌ها در یک مقبره



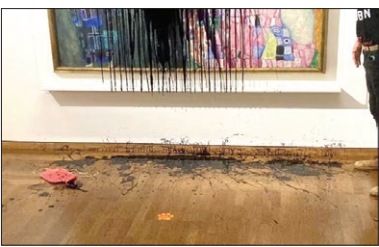
باستان‌شناسان با کاوش در یکی از محوطه‌های تاریخی مصر، تابوت‌های چوبی و پرتره مومیایی کشف کردند. به گزارش ایسنا، باستان‌شناسان، یک بنای خاک‌سپاری عظیم را که تصویر متوفیان روی آن نقش بسته بود، در محوطه باستان‌شناسی «جارزا» در کشور مصر کشف کردند. این بنا به دوران «بطلمیوسی مصر» تعلق دارد و در محوطه‌ای کشف شده‌است که باستان‌شناسان، کاوش در آن مکان را از سال ۲۰۱۶ آغاز کرده‌اند. قابل‌توجه‌ترین اکتشاف این کاوش، مجموعه‌ای از پرتره‌های بسیار سالم است. این پرتره‌ها که با نام پرتره‌های مومیایی نیز شناخته می‌شوند، تصاویر دقیقی از متوفیان هستند که مستقیم‌روی تابوت‌های چوبی نقاشی می‌شدند. نقاشی کردن چهره متوفیان روی تابوت از دوران رومی مصر (سال ۱۰۰ پیش از میلاد) آغاز شد. این نخستین کشف بزرگ پرتره‌های قایوم مومیایی در بیش از یک قرن گذشته‌است. باستان‌شناسان همچنین با کاوش در این بنای خاک‌سپاری یک مجسمه سفالی در تابوت چوبی و مجموعه‌ای از اسناد پاپیروسی سالم را کشف کردند.

اجرای دوباره طرح «کتاب‌تئاتر مدرسه»



آثار نمایشی مرکز تولید تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که در طرحی دومنظوره با عنوان «کتاب-تئاتر-مدرسه» اجرا می‌شد، بعد از پنج سال دوباره کلید خورد. به گزارش خبرگزاری صدا و سیما به نقل از روابط عمومی و امور بین‌الملل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مرکز تولید تئاتر و تئاتر عروسکی این کانون قصد دارد در گام تازه طرح «کتاب-تئاتر-مدرسه» تولیدات جدیدی را بر اساس کتاب‌های درسی پایه ابتدایی و کتاب‌های جدید کانون به‌عنوان بسته کمک آموزشی برای سال آینده آماده اجرا کند و در این زمینه از تمامی هنرمندان تئاتر کودک و نوجوان برای این فعالیت، یاری خواهد گرفت. «کتاب-تئاتر-مدرسه» عنوان طرحی است بادر بخش «تئاتر-مدرسه» شامل تولید و اجرای تئاتر از محتوای کتاب‌های درسی و همچنین تولید تئاتر از کتاب‌های داستانی انتشارات کانون در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶.

آسیب به آثار هنری مشهور برای دفاع از محیط زیست؟!



یکی از گروه‌های محیط‌زیستی که به‌تازگی از طریق حمله به آثار هنری مشهور، به تغییرات اقلیمی اعتراض کرده‌است، از احتمال شدیدتر شدن اعتراضات خبر داد. به گزارش ایسنا و به نقل از آرت‌نیوز، امسال ده‌ها تابلوی نقاشی مشهور از جمله شاهکارهای «ورمیر»، «کلیمت» و «مونک» هدف حمله گروه‌های مختلف محیط‌زیستی قرار گرفتند. این گروه از فعالان محیط‌زیستی با هدف جلب توجه، روی تابلوهایی نقاشی مواد خوراکی پر تآب کردند و خودشان را با چسب به نقاشی‌ها چسباندند. با این که این اعتراضات هیچ آسیب جدی و دائمی به آثار هنری وارد نکرد، اما تداوم این نوع حملات جامعه هنری را خشمگین کرده‌است. «الکس دکونینگ»، سخنگوی گروه استخراج نفت را متوقف کنید» در گفت‌وگو با «اسکای نیوز» اعلام کرد که این گروه محیط‌زیستی پیروی از اعتراضات «سافرجت‌ها» را که نقاشی‌ها را پاره می‌کردند، در نظر گرفته‌است. این فعال محیط‌زیستی بیان کرد: «اگر در شرایط تغییری حاصل نشود، ما ناچاریم از جنبش‌های موفق قبلی الهام بگیریم و هرآن‌چه را که بتوانیم، انجام می‌دهیم.»